



گاهنامه هنر و مبارزه

10 آوریل 2011

مقاله حاضر نوشته میشل شوسودوسکی به تاریخ 7 ماه ژانویه 2007 در سایت مرکز پژوهش های جهانی سازی منتشر شده است. با این وجود، دست کم به دو دلیل عمده تازگی اش را از نداده، زیرا در حله نخست می توانیم دقت تحلیل و نظر میشل شوسودوسکی را در این نوشته با توجه به جنگ اخیر علیه لیبی که تقریباً سه سال پس از نگارش این مقاله روی داده، مشاهده کنیم (به ویژه وقتی که از ایجاد یا تحریک «جنگ داخلی» در کشورهای مسلمان توسط امپریالیسم ایالات متحده آمریکا می گوید). از سوی دیگر موضوع «ابلیس نمایی» مسلمانان هم چنان به پیکره تبلیغات جنگی تعلق داشته و برای تشویق اذهان عمومی به پشتیبانی از جنگ به کار می رود.

«ابلیس نمایی» مسلمانان

و

جنگ برای تصاحب نفت

نوشته میشل شوسودوسکی

مرکز پژوهش های جهانی سازی، 7 ژانویه 2007



Mondialisation.ca, Le 7 janvier 2007

در طول تاریخ، «جنگ های مذهبی» را همواره به عنوان پرده ای برای پنهان سازی منافع اقتصادی و راهبردی در تصرفات و تهاجمات به سرزمین های خارجی به کار برده اند. و باید دانست که جنگ های مذهبی پیوسته به هدف نظارت بر جاده های بازرگانی و منابع طبیعی بر پا شده است.

تاریخ شناسان جنگ های صلیبی از قرن یازدهم تا چهاردهم را غالباً به عنوان «لشکرکشی های نظامی-مذهبی توسط مسیحیان اروپا به امید بازپس گیری سرزمین مقدس از جنگ ترکان ناپاک» تلقی کرده اند. با این وجود، جنگ های صلیبی رابطه ناچیزی با انگیزه های مذهبی داشته است. جنگ های صلیبی تا حدود خیلی زیادی عبارت بوده است از: لشکر کشی برای تحریک قدرت حاکم در جوامع مسلمان که جاده های بازرگانی شرق را تحت نظارت داشتند.

نظریه «جنگ برای عدالت» جنگ ها صلیبی را پشتیبانی می کرد، جنگ با حمایت کلیسای کاتولیک به راه می افتاد و علاوه بر این کلیسا به عنوان ابزار تبلیغاتی و گسترش اعتقادات مذهبی در اذهان عمومی و در عین حال برای استخدام هزاران دهقان، رعیت و ولگردهای شهری در سر تا سر اروپا عمل می کرد.

جنگ صلیبی ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی و در خاور میانه

از دیدگاه افکار عمومی، داشتن انگیزه عادلانه برای اعلان جنگ امر بسیار ضروری و اجتناب ناپذیری است. زیرا جنگ عادلانه در صورتی قابل قبول خواهد بود که بر اساس انگیزه ای اخلاقی و مذهبی انجام گیرد. جنگ ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی و خاور میانه نیز از این آموزه جدا نیست.

«جنگ علیه تروریسم» و دفاع از وطن آمریکایی و «جهان متمدن» از جمله دعاوی مطرح شده است، ولی چنین جنگی که به مثابه «جنگ مذهبی» و یا «جنگ تمدن ها» تلقی می کنند، برای دست یابی به اهداف دیگری انجام می گیرد و انگیزه اصلی آن تضمین تسلط و مالکیت مشارکتی روی ثروت بسیار عظیم نفتی در منطقه است. چنین طرحی، در عین حال با تکیه به راه کارها و هدایت صندوق بین المللی پول و بانک جهانی (که در حال حاضر توسط پل ولفوویتز مدیریت می شود)، خصوصی سازی شرکت های ملی و انتقال سرمایه های مالی کشورها به دست سرمایه خارجی انجام می گیرد.

نظریه جنگ برای عدالت از جنگ به عنوان «عملیات بشر دوستانه» دفاع می کند، و در عین حال که تصویری از رعایت اصول اخلاقی در جبهه مهاجم عرضه می دارد، اهداف واقعی جنگ را نیز استتار می کند.

این نظریه در نسخه معاصر آن، مداخله نظامی را عملی اخلاقی علیه «دولت های شرور» و «تروریست های اسلامی» معرفی می کند که گویی امنیت وطن متمدن را به مخاطره انداخته اند.

برای دولت بوش، اعلان جنگ و اشغال افغانستان و عراق، می بایستی دلیل موجهی وجود می داشت.

برداشت معاصر از نظریه «جنگ عادلانه» در آکادمی نظامی ایالات متحده آمریکا تدریس می شود و در نظریه نظامی این کشور گنجانده شده است. «جنگ علیه تروریسم» و مفهوم «پیش گیری کننده» در حق «دفاع از خود» گنجانده شده و سنجه هایی را تشکیل می دهد که «تعیین کننده زمان و مکان جنگ است»: [یعنی، از طریق حقوق بین الملل برای حفظ صلح]. [این اصل] (حق آغاز جنگ) به عنوان قاعده در ساختار فرماندهی نیروهای نظامی گنجانده شد و در عین حال یگان های نظامی را متقاعد می سازد که دشمن شرور و بد است و آنها «دلیل موجهی» برای جنگیدن دارند. به شکل کلی تر، برداشت معاصر از نظریه جنگ عادلانه به پیکره تبلیغات جنگی و تحریف خبری تعلق داشته و در پی کسب پشتیبانی عمومی از جنگ است.

جنگ برای نفت. ابلیس نمایی دشمن

جنگ نظم بشری را برقرار می سازد. در طول تاریخ، انتقاد و بد گویی از دشمن بارها و بارها و همیشه رایج بوده است. در جنگ های صلیبی ترک ها را در اشکال شیطانی بازنمایی می کردند، از این دیدگاه، ترک ها از دین برگشته و بی دین بودند و بر این اساس جنگ علیه آنها توجیه پذیر می شد.

ابلیس نمایی در اساس اهداف جغرافیای سیاسی و اقتصادی را پی گیری می کند، به همان شکلی که اردوی مبارزه با «تروریسم اسلامی» (که به شکل کاملاً مخفیانه توسط سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا پشتیبانی می شود) در تصاحب ثروت های نفتی به کار برده می شود. اصطلاح «اسلام-فاشیسم» (یا اسلام فاشیستی) در بی اعتبار سازی سیاسی، نهادها، ارزش ها و بافت اجتماعی کشورهای مسلمان به کار برده می شود، و در عین حال از «دموکراسی غربی» و «بازار آزاد» به عنوان تنها آلترناتیو معتبر برای تمام کشورها دفاع می کنند.

جنگی که ایالات متحده در گستره منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی به راه انداخته، برای تسلط بر بیش از 60 درصد منابع نفتی و گاز طبیعی در جهان است. غول های نفتی انگلیسی-آمریکایی در پی تسلط بر لوله های نفت و گاز منطقه هستند (تابلوی و نقشه زیر را نگاه کنید).

کشورهای مسلمان، که عبارتند از عربستان سعودی، عراق، ایران، کویت، امارات متحده عرب، قطر، یمن، لیبی، نیجریه، الجزایر، قزاقستان، آذربایجان، مالزی، اندونزی و برونئی 66،2 و 75،9 درصد تمام ذخیره نفتی جهان را در اختیار دارند (بر اساس منابع و روش ارزیابی در تابلوی زیر).

در مقایسه، ایالات متحده تقریباً دو درصد تمام ذخیره نفتی جهان را در اختیار دارد. کشورهای غربی با تولید کننده های اصلی نفت (کانادا، ایالات متحده آمریکا، نروژ، انگلستان، دانمارک و استرالیا) در مجموع چهار درصد ذخیره نفتی جهان را در اختیار دارند. (با ارزیابی های دیگر این رقم به 16،5 درصد افزایش پیدا می کند. تابلوی زیر را ببینید).

بزرگترین ذخیره نفتی جهان در گستره (جنوب به شمال) در منتهی الیه یمن تا بستر دریای مازندران و (غرب به شرق) از ساحل مدیترانه شرقی تا خلیج فارس. این منطقه وسیع، از خاورمیانه تا آسیای مرکزی، صحنه «جنگ علیه تروریسم» است که ایالات متحده آمریکا هدایت آن را به عهده دارد.

عراق پنج برابر ایالات متحده آمریکا نفت دارد. کشورهای مسلمان حداقل 16 برابر کشورهای غربی ذخیره نفتی جهان را در اختیار دارند.

کشورهای غیر اسلامی که دارای نفت هستند، عبارتند از ونزوئلا، روسیه، مکزیک، چین و برزیل (تابلوی زیر را ببینید).

ابلیس نمایی علیه دشمنی به کار برده می شود که سه چهارم ذخیره نفتی جهان را در اختیار دارد. «محور شرارت»، «دولت های شرور»، «ملت های ناکام»، «تروریست های اسلامی»: ابلیس نمایی و تحقیر تکیه گاه های ایدئولوژی «جنگ علیه تروریسم» از نوع آمریکایی بوده و به عنوان بهانه برای جنگ ولی جنگ برای نفت به کار گرفته می شود.

جنگ برای نفت، ابلیس نمایی آنهایی را که نفت دارند ضروری می سازد. برای توجیه جنگ، دشمن عنوان شرور معرفی می شود یعنی موضوعی که قتل عام توده های غیر نظامی را نیز در بر می گیرد. آسیای مرکزی و خاورمیانه قویا به منطقه نظامی تبدیل شده و منابع نفتی به محاصره در آمده اند: ناوهای جنگی ناتو در شرق مدیترانه مستقر شده (به عنوان عناصر عملیات «حفظ صلح» در سازمان ملل متحد)، و ناوهای هواپیمابر (از گروه های تهاجمی ایالات متحده) و ناوشکن ها در خلیج فارس- و- عرب به عنوان ابزار «جنگ علیه تروریسم» گسترش یافته اند.

گروه تهاجمی نیروی دریایی ایالات متحده

هدف نهایی عملیات نظامی با پشتیبانی عملیات سرّی سرویس های اطلاعاتی و تبلیغات جنگی، در هم شکستن بافت ملی برای تبدیل ساختن کشورهای حاکم به حوزه های اقتصاد باز است که در آن منابع طبیعی به غارت رفته و تحت نظارت «بازار آزاد» قرار می گیرد. چنین نظارتی شامل راه های استراتژیک لوله های نفت و گاز نیز می باشد (به عنوان مثال در افغانستان).

ابلیس نمایی یکی از ترفندهایی است که در تبلیغات روانی به کار می برند تا افکار عمومی را به نفع جنگ تشویق کنند. جنگ روانی مستقیما توسط پنتاگون و دستگاه های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا هدایت می شود، و محدود به قتل رهبران کشورهای مسلمان نمی شود بلکه تمام مردمان این کشورها و علاوه بر این مسلمانان اروپای غربی و آمریکای شمالی را هدف می گیرد. تبلیغات روانی، در عین حال در پی تخریب خودآگاه ملی و درهم شکستن قابلیت مقاومت در برابر مهاجمین است. با تحقیر و بی اعتبار سازی اسلام موجب انشعاب در جوامع مسلمان می شود. و با ایجاد انشعاب و تجزیه جوامع به طور مشخص تا ایجاد «جنگ داخلی» پیش می رود. چنین وضعیتی مشخصا فضای مساعدی برای تصاحب منابع طبیعی کشورها فراهم می سازد، و در عین حال، در جبهه

مقابل خودآگاه ملی نوینی به وجود می آید، اتحاد بین اقوام مختلف موجب تجمع ملت ها در رویارویی علیه مهاجمین می گردد. لازم به یاد آوری است که تجزیه کشورها و «جنگ های - داخلی» در چشم انداز و روند ایجاد نقشه نوین خاورمیانه انجام می گیرد که در آن تجزیه کشورها به قطعات کوچک پیش بینی شده است. نقشه جغرافیای خاورمیانه نوین، اگر چه هنوز رسماً اعلام نشده، ولی در آکادمی ملی جنگ در ایالات متحده آمریکا مورد استفاده قرار گرفته و اخیراً در ماه ژوئن 2006 در روزنامه نیروهای نظامی منتشر شده است. در این نقشه، تجزیه دولت و ملت ها، مرزهای بین المللی، که خطوط قومی قبیلہ ای را ترسیم می کند بر اساس منافع غول های نفتی آمریکایی - انگلیسی تعیین می شود. این نقشه نوین جزء برنامه آموزشی دانشگاه دفاع ناتو برای افسران ارشد نظامی بوده است. (نقشه نوین خاورمیانه شامل «کپی رایت» 2006 و متعلق به سرهنگ رالف پیتر است)

نفت در سرزمین مسلمانان

بخش عظیمی از ذخیره نفتی جهان در اعماق خاک سرزمین های مسلمانان گسترده شده است. تحقیر دشمن یکی از وجوه اساسی جغرافیای سیاسی انرژی اروپایی-آسیایی بوده و عمل کرد مستقیم تقسیم جغرافیایی ذخایر نفتی و گاز طبیعی در جهان است. اگر ذخیره نفتی در سرزمین های بودیست یا هندو واقع می شد، می بایستی منتظر بی اعتبار سازی و تحقیر بودیست ها و هندو ها می بودیم. در صحنه جنگ در خاورمیانه، ایران و سوریه به «محور شرارت» تعلق دارند، و براساس اعلامیه های رسمی ایالات متحده، اهداف بعدی را تشکیل می دهند. «جنگ های داخلی» به پدرخواندگی ایالات متحده آمریکا، در چندین منطقه استراتژیک نفتی و گازی بر پا شد، مانند: نیجریه، سودان، کلمبیا، سومالی، یمن، آنگولا، و چنچنی و چندین جمهوری شوروی سابق. به شکل سنتی، ایالات متحده آمریکا در جنگ های داخلی، گروه های شبهه نظامی حرفه ای را استخدام می کند، در منطقه دارفور در سودان و به همین گونه در سومالی. در دارفور ذخیره نفتی مهمی وجود دارد. در سومالی واگذاری بهره برداری نفت به غول های نفتی آمریکایی - انگلیسی آغاز شده است. «بر اساس پرونده های به دست آمده توسط «تایمز»، عملاً دو سوم سومالی به شرکت های غول پیکر ایالات متحده آمریکا «کنوکو»، «آموکو» (که حالا به بریتیش پترولیوم پیوسته است)، شورون و فیلیپس تعلق پیدا کرده، یعنی از آخرین سال های محمد سید بار، رئیس جمهور سومالی طرفدار آمریکا و پیش از این که سرنگون شود و تمام ملت را در هرج و مرج ژانویه سال 1991 فرو ببرد. از جانب منابع صنعتی، شرکت هایی که با آنها قرارداد بسته اند، گفته شده است که در انتظار تصمیم دولت بوش برای گسیل نیرو می باشند که از سرمایه گذاری های چند میلیون دلاری آنها در سومالی محافظت کنند.

جهانی سازی و تسخیر منابع انرژی جهان

ابلیس نمایی جامعه مسلمانان، با تحقیر اسلام که در تمام جهان جریان دارد، در سطح ایدئولوژی ابزار تسخیر منابع انرژی جهان بوده و به ساز و کار اقتصادی و سیاسی کلی تعلق دارد که پایه و اساس نظم نوین جهانی است.

ذخیره نفتی جهان در کشورها					
درجه	کشورها	نفت جهان دسامبر 2004		روزنامه گاز و نفت ژانویه 2006	
		ذخیره %	میلیارد بشکه	ذخیره %	میلیارد بشکه
1	عربستان سعودی	24,2	262,1	20,6	266,8
2	کانادا*	0,4	4,7	13,8	178,8
3	ایران	12,1	130,8	10,3	132,5
4	عراق	10,6	115,0	8,9	115,0
5	کویت	9,2	99,7	7,9	101,5
6	امارات متحده عربی	6,5	69,9	7,6	97,8
7	* ونزوئلا	4,8	52,4	6,1	79,7
8	روسیه	6,2	67,1	4,6	79,7
9	لیبی	3,2	33,6	3,0	39,1
10	نیجریه	3,4	36,6	2,7	35,9
11	ایالات متحده آمریکا	2,0	21,4	1,7	18,3
12	چین	1,4	15,4	1,4	18,3
13	قطر	1,8	20,0	1,2	15,2
14	مکزیک	1,4	14,8	1,0	12,9
15	الجزایر	1,4	15,3	0,9	11,4

16	برزیل	1,0	11,2	0,9	11,2
17	قزاقستان	0,8	9,0	0,7	9,0
18	نروژ	0,9	9,9	0,6	7,7
19	آذربایجان	0,6	7,0	0,5	7,0
20	هند	0,5	4,9	0,4	5,8
21	عمان	0,4	4,8	0,4	5,5
22	آنگولا	0,8	9,0	0,4	5,4
23	اکوادور	0,5	5,5	0,4	4,6
24	اندونزی	0,5	5,3	0,3	4,3
25	انگلستان	0,4	3,9	0,3	4,0
26	یمن	0,3	3,0	0,3	4,0
27	مصر	0,3	3,6	0,3	3,7
28	مالزی	0,3	3,0	0,2	3,0
29	گابون	0,2	2,2	0,2	2,5
30	سوریه	0,2	2,3	0,2	2,3
31	آرژانتین	0,2	2,3	0,2	2,3
32	گینه	0,2	1,8	0,0	0,0
33	کلمبی	0,1	1,5	0,1	1,5
34	ویتنام	0,1	1,3		0,6
35	چاد	0,0	0,0	0,1	1,5
36	استرالیا	0,3	3,6	0,1	1,4
37	برونئی	0,1	1,1	0,1	1,4

38	دانمارک	0,1	1,3	0,1	1,3
39	پرو	0,1	0,9	0,1	1,0
** تمام کشورهای مسلمان		75,9	822,1	66,2	855,6
تمام غرب (آمریکای شمالی، اروپا، استرالیا)		4,1	44,8	16,5	213,3
تمام کشورهای دیگر		20,6	214,9	17,3	223,6
تمام جهان		100,0	1.081,8	100,0	1.292,5

Source : [EIA : Agence de l'Information sur l'Énergie](#) (faire défiler de haut en bas pour les notes explicatives dans la table)

© Carte de Eric Waddell, Global Research, 2003.



SOURCE: Energy Information Administration AP

Pour les détails sur la campagne contre le pipeline, voir : bakuceyhan.org

